



تنفیذ امانت

بازخوانی حکم تنفیذ
ریاست جمهوری
آیت‌الله رئیسی

نگاهی به رویکردهای
دولت سیزدهم
در انجام مأموریت‌ها

«ایران» شرایط ابتدایی مسئولیت سنگین دولت سیزدهم را بررسی می‌کند

مأموریت آواربرداری از ۸ سال ویرانی

گزارش

نکرده است، بلکه در حوزه‌هایی پسرفت نیز داشته است. نکته اینجاست که ۸ سال از این دهه، یعنی فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰، دوره فعالیت دولت‌های یازدهم و دوازدهم بوده است. بنابراین می‌توان دهه از دست رفته را کارنامه دولتی دانست که خود را اعتدالی توصیف می‌کرد؛ توصیفی که تلاش داشت ریشه‌های اصلاح‌طلبانه این دولت را پنهان یا حتی کتمان کند. این کارنامه اقتصادی شکست خورده در دولت دوازدهم، یعنی دوره دوم فعالیت دولت اعتدال به اوج خود رسید. ناکارآمدی رویه‌ها و برنامه‌های نادرست اجرایی، مدیریتی و اقتصادی به جایی رسید که در هفته‌های نخست فعالیت دولت دوازدهم، صدای «ما پشیمانیم» را نیز از سوی حامیان جریان حاکم در سپهر سیاسی کشور طنین‌انداز کرد.

کرونا، این وضعیت را تشدید کرد. به این صورت که در کنار کارنامه ضعیف اقتصادی و بی‌عملی مدیریتی، کرونا با تعطیلی کسب و کارها و افزایش مرگ و میر ایرانیان، مزید بر علت شد. در دوره کرونا، در حالی که ایرانیان منتظر حرکت بیشتر دولت و حضور مضاعف آن در صحنه بودند، عملاً با غیبت دولت، حتی در عالی‌ترین سطوح آن مواجه شدند. رئیس دولت وقت، تنها در محیط‌های خاص قرنطینه شده خاص در مکان‌های خاص متعلق به ریاست جمهوری حاضر می‌شد و اگر جلسه‌ای بود، این فضای مجازی و ویدئوکنفرانس‌ها بود که بار این حضور را بردوش می‌کشید. به این ترتیب، ایرانیان میان دو رنج یا دو وضعیت سخت، تنها به حال خود رها شدند؛ وضعیت سخت و صعب اقتصادی از یک سو، و وضعیت بیماری و مرگ و میر و بیکاری ناشی از کرونا از سوی دیگر. تحت چنین شرایطی بود که بنا بر

۸ سال ناکارآمدی و خستگی یک دولت، پیامدهای ماندگاری در حوزه‌های مختلف، اعم از سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به دنبال داشت؛ پیامدهایی که به عنوان میراث تلخ، برای ملت و البته دولت بعد نیز باقی ماند. این همان شرایطی است که دولت سیزدهم در ابتدای مسئولیت خود با آن مواجه بود. این مواجهه، نه صرفاً نظر بر زمان تشکیل دولت و آگاهی یافتن از وضعیت جاری کشور و دستگاه‌های اجرایی، بلکه حتی در دوران انتخابات نیز پیامدهای نتایج ۸ سال گذشته خود را نشان داده بود. پیامدی که مهم‌ترین بروز آن، کاستن از میزان رغبت ایرانیان برای حضور در پای صندوق‌های رأی به نسبت دوره قبلی انتخابات بود. به این ترتیب، دولت سیزدهم درست از زمان رقابت‌های انتخاباتی، در حوزه سیاسی و اقتصادی، با وضعیت نابسامانی روبه‌رو شده بود که خود، نقشی در شکل‌گیری این نابسامانی‌ها نداشت. با وجود این، عزم و انگیزه دولت سیزدهم، بویژه آیت‌الله رئیسی به عنوان رئیس دولت، بن‌مایه رفع و ترمیم این نابسامانی‌ها قرار گرفت.

دولتی با دهه از دست رفته

دهه ۹۰ خورشیدی به عنوان دهه از دست رفته شناخته می‌شود و این امر، ناشی از وضعیت شاخص‌های کلان اقتصادی، همچون نرخ تورم یا نرخ رشد است. به عبارت دیگر، این شاخص‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهد که کشور در فرصت ۱۰ ساله‌ای که در اختیار داشت، نه تنها هیچ پیشرفتی

نیز تأمین دارو و واکسن در رنج بودند، به صورت مستقیم گفت‌وگو کرد. انعکاس وسیع خبر این اقدام رئیس‌جمهور در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، به نوبه خود مشخص می‌کرد که ایرانیان تا چه اندازه از غیبت دولت، یا آنچه بی‌دولتی خوانده می‌شود، در رنج بودند. در کنار ترمیم وضعیت سیاسی دولت، که در فاصله اعلام نتایج انتخابات تا مراسم تحلیف صورت گرفت، وقایع دیگری هم رقم خورد. چند روز پس از انجام مراسم تنفیذ و در حالی که هنوز کابینه سیزدهم به طور کامل شکل نگرفته بود، رئیس‌جمهور منتخب، حضور در استان‌های محروم سیستان و بلوچستان و خوزستان را در دستور کار خود قرار داد. حضور در روستای مرزی ملاعلی، در سیستان و بلوچستان یا حضور در یکی از روستاهای محروم خوزستان، بارقه‌هایی از امید را میان ایرانیان برانگیخت.

ماه جاری کارمندان دولت پرداخت کنیم. اما این وضعیت سخت، محصول مدیریت و شیوه عملکرد همان افرادی بود که دور آن میز نشستند و اکنون چنین آیه‌های یاسی را می‌خوانند.

آواربرداری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی

با توجه به چنین زمینه‌ای بود که بدرستی، آواربرداری به عنوان مهم‌ترین دستورکار دولت سیزدهم، دست‌کم در ماه‌های نخست فعالیت مطرح شد. آواربرداری، به صورت ویژه در سه حوزه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اولویت بیشتری داشت. در حوزه اجتماعی، بازآفرینی اعتماد از دست رفته مردم مهم‌ترین مأموریت دولت سیزدهم بود. در حوزه سیاسی، بازگشت دولت به عرصه مدیریتی و سیاسی و اجتماعی کشور در دستور کار قرار گرفت. زیرا بنا بر این بود که با رأی مردم، شرایط سیاسی و اجرایی کشور به نفع مردم تغییر یابد.

نخستین تغییر، با حضور رئیس‌جمهور در میدان رقم خورد. تا پیش از انتخاب آیت‌الله رئیسی، مردم با رئیس دولتی مواجه بودند که از فاصله با مسائل برخورد کرده و حتی برای وزای غصه کابینه خود وقت نداشت و برای هیأت دولت هم قابل دسترسی نبود. این وضعیت، به دلیل شیوع کرونا، تشدید هم شده بود. آیت‌الله رئیسی در روزهای نخست پس از انتخاب به عنوان رئیس‌جمهور، این وضعیت را برعکس کرد. درست در روزهایی که هنوز کرونا در اوج بود، رئیس‌جمهور منتخب، بی‌واسطه در داروخانه‌های پر ازدحام و شلوغ حاضر شد و ضمن بررسی روند تخصیص داروها، با مردمی که از بیماری اطرافیان خود و

عملکرد و وضعیتی بود که دولت‌های یازدهم و دوازدهم برای ایرانیان رقم زده بودند. زیرا ایرانیان در ۸ سال پیش از آن در تجربه ذهنی، عینی و زندگی خود، بی‌دولتی را لمس کرده و پیامدهای ناکارآمدی دولت در حوزه‌های مختلف زندگی خود، از معیشت تا سلامت و زندگی را چشم‌پوش کردند. کاهش مشارکت ایرانیان در انتخابات سوبه سیاسی میراث دولت قبل برای دولت سیزدهم بود. سوبه اجرایی و مدیریتی این میراث اما منتخبا با کابینه دولت دوازدهم، در این جلسه، اعضای کابینه دوازدهم، تصویری سخت سیاه و تیره از وضعیت کشور ارائه کرده و در این تصویرسازی تا آنجا پیش رفته بودند که به رئیس‌جمهور منتخب گفتند حتی اینقدر بودجه نداریم که حقوق

نظرسنجی‌های معتبر، میزان محبوبیت رئیس‌جمهور، حتی میان رؤسای جمهور گذشته رسید. زیرا ایرانیان، بویژه در دو سال آخر، با وضعیتی مواجه بودند که نه حضور و تأثیر مدیریت دولت را بر اقتصاد و زندگی خود احساس می‌کردند، و نه در مواجهه با ویروس کرونا، به دارو یا واکسن دسترسی داشتند. مرگ روزانه ۷۰۰ ایرانی به دلیل ابتلا به کرونا، چیزی نبود که به شود به سادگی از کنار آن گذشت.

در آستانه خرداد ۱۴۰۰

انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه ۱۴۰۰ در چنین بستر و زمینه‌ای برگزار شد. به عبارت دیگر، آنچه به لحاظ مشارکت در این انتخابات رقم خورد، به طور مستقیم محصول

در فاصله انتخابات تا مراسم تنفیذ

دولت سیزدهم دو محرک یا عامل حرکتی قوی در اختیار داشت: نخست آرا و اقبال مردم و دیگری رئیس‌جمهور. مردم مهم‌ترین تغییر ناشی از رأی خود در خرداد ۱۴۰۰ در عملکرد آیت‌الله رئیسی دیدند: رئیس‌جمهوری که نه تنها از حضور در میان مردم ابا نداشت، بلکه بر آن بود که تا یک دولت پرتحرک و پرچم و جوش را جایگزین دولت خسته و ناکارآمد قبلی کند. نکته اما این بود که این تحرک و تغییر به نفع مردم، در فاصله انتخابات تا مراسم تنفیذ رقم خورد. کوی آیت‌الله رئیسی، با اشراف بر مشکلات به ارث رسیده از دولت گذشته، تشخیص داده بود که زمانی برای از دست رفتن نیست. زیرا در کنار مسأله حقوق‌ها، که نشان دهنده اوج ناکارآمدی دولت گذشته بود، انبارهای خالی از کالاهای استراتژیک، نشانه دیگری از وضعیتی بود که به ارث رسیده بود. این وضعیت، که نیازمند آواربرداری‌های جدی بود، چنان فوریتی برای کشور و دولت جدید ایجاد کرده بود که جز تحرکی فزاینده، راه دیگری باقی نمی‌گذاشت.

چشم‌انداز نویدبخش

هرچند امروز حامیان دولت سابق، وضعیت سخت کشور در سال‌ها و ماه‌های منتهی به انتخابات ۱۴۰۰ را تحریف یا کتمان می‌کنند، اما دست‌کم نمی‌توانند رویکردانی مردم از ماندگی‌ها تشکیل دهد. هرچند کار آواربرداری سیزدهم برای جبران این کاستی‌ها و عقب ماندگی‌ها تشکیل شد. هرچند کار آواربرداری از ۸ سال، در یک یا دو سال میسر نیست، اما آنچه مردم در می‌یابند، عزم دولت سیزدهم برای کار و تلاش بی‌وقفه است، کار و تلاشی که از فردای انتخابات و حتی پیش از تشکیل کابینه سیزدهم آغاز شد و آیت‌الله رئیسی، خود آغازگر این تلاش بود. این همان چشم‌انداز نویدبخشی است که ایرانیان با رأی خود در اردیبهشت ۱۴۰۰ آفریدند.